

نفس‌های بی‌جان یک کاسب!



سعید حیاتی
فعال صنعت کفش

امروز نمی‌خواهم فقط درباره مالیات صحبت کنم. می‌خواهم درباره نفس‌های بی‌جان یک کاسب صحبت کنم؛ کاسبی که سال‌ها ایستاده، کار کرده، مالیات داده، کارگر سر سفره برده و چرخ این اقتصاد را چرخانده است. کاسبی که شاید ۳۰، ۴۰ یا حتی ۵۰ سال از عمرش را در همین بازار گذاشته؛ اما امروز استخوان‌هایش زیر بار گرانی، تورم، اجاره، حقوق کارگر، قیمت دلار، رکود و کاهش قدرت خرید مردم، یکی‌یکی پودر شده است.

کاسب امروز فقط با مشکلات اقتصادی نمی‌جنگد؛ با ناامیدی می‌جنگد. مردم اختلاس‌ها را می‌بینند، بی‌عدالتی‌ها را می‌بینند، گرانی را می‌بینند و بی‌ارزش شدن پول ملی را هر روز با پوست و گوشتشان احساس می‌کنند. و بعد، وقتی مشتری وارد مغازه می‌شود، کاسب به جای اینکه با روی باز از او پذیرایی کند و از آینده بهتر حرف بزند، خودش ناخواسته شروع می‌کند به تاله کردن از قیمت‌ها، گرانی و وضع اقتصاد. نه از سر بی‌میلی؛ از سر خستگی. کاسب دوست دارد جنس خوب و باکیفیت به مردم بدهد؛ اما جنس خوب گران شده و قدرت خرید مردم پایین آمده است.

مشتری توان خرید ندارد، کاسب توان پایین آوردن قیمت ندارد، و هر دو طرف، ناراضی و خسته از مغازه بیرون می‌روند. این فقط یک مشکل اقتصادی نیست؛ این یک زنجیره ناامیدی است.

اما اجازه بدهید یک نکته را روشن بگویم: کاسب با مالیات مخالف نیست. کاسب می‌داند کشور برای اداره شدن، برای امنیت، آموزش، درمان و آبادانی به درآمد نیاز دارد. کاسب می‌گوید: من مالیاتم را می‌دهم؛ اما می‌خواهم اثر مالیاتی را که می‌پردازم هم در زندگی مردم و در آبادانی کشور ببینم. می‌خواهم بدانم مالیاتی که از حاصل دسترنج من گرفته می‌شود، در نهایت چه چیزی برای این کشور ساخته است. اما باید واقعیت زندگی کسبه را هم ببینیم. بسیاری از مغازه‌ها، کوچک و کم‌درآمد هستند؛ یک مغازه چند مترمربعی با یک یا دو نفر نیروی کار. آیا واقعا همه این کسبه توان خرید و نگهداری تجهیزات، نرم‌افزار، سیستم‌های حسابداری، نیروی متخصص و امکاناتی را دارند که یک مجموعه بزرگ اقتصادی دارد؟

نایب انتظار یکسان از کسب‌وکارهای کاملا متفاوت داشته باشیم. شفافیت خوب است؛ سیستم خوب است؛

سامانه خوب است؛ اما وقتی قرار است یک سیستم جدید اجرا شود، باید آموزش، زیرساخت و امکان استفاده واقعی از آن هم برای کاسب فراهم شود. نمی‌شود از کاسبی که تمام روز پشت دخل مغازه ایستاده و با مشتری و هزار مشکل اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، انتظار داشت هم‌زمان متخصص سامانه‌های مالیاتی، حسابداری و فناوری اطلاعات هم باشد. اگر قرار است سیستم جایگزین روش‌های قدیمی شود، باید دست کاسب را بگیرد، نه اینکه او را به خاطر ناآشنایی با سیستم تنبیه کند. کسی که شاید سال‌ها آموزش تخصصی مالیاتی ندیده، با یک اشتباه در اظهارنامه یا ثبت اطلاعات، ممکن است با زنجیره‌ای از پیام‌ها و ابلاغیه‌ها روبه‌رو شود؛ اخترا، تشخیص، مطالبه، قطعی و اجرائیات؛ و حتی محرومیت از دریافت تسهیلات. کاسبی که باید فکرش پیش مشتری، جنس، کارگر و آینده مغازه باشد، حالا باید دنبال اثبات تراکشی‌های چند سال قبل هم باشد. هر گردش حساب، درآمد نیست. انتقال بین حساب‌ها، جابه‌جایی سرمایه، برگشت وجه، دریافت وام و ده‌ها مورد دیگر، فروش و درآمد واقعی نیست. سیستم باید به انسان کمک کند؛ نه اینکه انسان را قربانی سیستم کند. اما درد فقط اینجا نیست. گاهی کاسب وقتی بی‌عدالتی می‌بیند، وقتی می‌بیند عدادی با تخلفات و اختلاس‌های بزرگ، اعداد و ارقام نجومی را جابه‌جا می‌کند و در مقابل، یک کاسب برای یک اشتباه کوچک باید ماه‌ها پاسخگو باشد، سؤالی این است: پس عدالت کجای این معادله قرار دارد؟ کاسب دشمن قانون نیست. کاسب از مالیات فرار نمی‌کند. کاسب می‌گوید: اگر قانون است، برای همه باشد. اگر نظارت است، برای همه باشد. اگر برخورد است، عادلانه باشد. بین فرار مالیاتی و اشتباه مؤدی تفاوت بگذاریم. بین درآمد واقعی و گردش حساب تفاوت بگذاریم. بین یک مجموعه بزرگ اقتصادی و یک مغازه کوچک چندمتری تفاوت شرایط را ببینیم. و قبل از اینکه یک کاسب را بدهکار، محروم و ناامید کنیم، صدای او را بشنویم.

امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عَمَارَةِ الْأَرْضِ أَلْبَعُ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَّاجِ» نگاه تو به آبادانی سرزمین، باید مهم‌تر از نگاهت به جمع‌آوری مالیات باشد. این یعنی اگر می‌خواهیم مالیات بیشتری بگیریم، اول باید بازار را زنده نگه داریم. اگر می‌خواهیم تولید بیشتر شود، باید تولیدکننده امید به آینده داشته باشد. اگر می‌خواهیم کاسب مالیات بدهد، باید کسب‌وکارش توان ادامه دادن داشته باشد. و اگر می‌خواهیم مردم با روی خوش وارد مغازه شوند و با امید بیرون بیایند، باید اجازه بدهیم کاسب هم خودش امید به فردا داشته باشد. این سخنرانی فقط درباره مالیات نیست. این سخنرانی درباره درد یک قشر بزرگ از مردم است؛ درباره کاسبی که سال‌ها ایستاده اما امروز احساس می‌کند دیگر کسی صدایش را نمی‌شنود. ما یک بازار افشرده نمی‌خواهیم. یک بازار بی‌اعتماد نمی‌خواهیم. یک کاسب ناامید نمی‌خواهیم. ما بازاری می‌خواهیم که در آن کاسب با افتخار کار کند، کارگر با امنیت کار کند، مشتری با قدرت خرید وارد شود و هر دو با امید از کنار هم عبور کنند.

خداوند روزی بسیاری از مردم را از همین دست‌های کارگر، تولیدکننده و کاسب جاری کرده است. پس این دست‌ها را خسته‌تر نکنیم.

اگر جایی اشتباه کرده، راه اصلاح بگذاریم. اگر جایی قانون اجرا می‌شود، عدالت را فراموش نکنیم. اگر جایی سیستم جدیدی می‌آوریم، اول آموزش و امکانش را فراهم کنیم و بعد مسئولیتش را از کاسب بخواهیم. و از همه مهم‌تر... به مردم فقط وعده ندهیم؛ کاری کنیم که دوباره امید را لمس کنند. چون کاسب امروز دیگر فقط از گرانی خسته نیست؛ از این خسته است که فریاد بزند و احساس کند صدایش به جایی نمی‌رسد. اینها اعتراضات یک کاسب نیست؛ این نفس‌های آخر امید بازاری است که نیم قرن ایستاده، مالیات داده، کارگر تربیت کرده، به اقتصاد این کشور خدمت کرده و هنوز هم می‌خواهد سهم خودش را برای آبادانی کشور بدهد؛ اما انتظار دارد عدالت را ببیند، اثر زحمتش را ببیند و صدایش را هم بشنوند. بیاییم کاری کنیم کاسب دوباره وقتی صبح کرکره مغازه را بالا می‌برد، به جای ترس از فردا، به فردا امید داشته باشد.

بررسی وضعیت صنعت نشان داد

صنعت در پیچ و خم مقررات



صنعت ایران در سال‌های اخیر بیش از آنکه از کمبود ظرفیت تولید رنج ببرد، با انباشت موانعی مواجه بوده که بخشی از آنها در لایه قوانین، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها شکل گرفته‌اند. فعالان اقتصادی در مسیر تولید و سرمایه‌گذاری با مجموعه‌ای از مشکلات مواجه‌اند که از تامین مالی و مقررات بانکی تا فرآیندهای اداری، تصمیمات دستگاه‌های اجرایی و محدودیت‌های قانونی را شامل می‌شود. پیچیدگی این مسائل زمانی بیشتر می‌شود که مشخص نباشد ریشه هر مانع دقیقا در کدام قانون یا دستورالعمل قرار دارد و کدام دستگاه مسئول اصلاح آن است. در چنین شرایطی، جلسات گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی می‌تواند محلی برای شناسایی دقیق مشکلات و تبدیل مطالبات کلی به راهکارهای مشخص باشد؛ مشروط بر اینکه نهادهای متولی، در چارچوب اختیارات قانونی خود، موضوعات را تا رسیدن به نتیجه پیگیری کنند. حال پرسش اینجاست که برای کاهش این موانع و ایجاد مسیر هموارتر برای فعالیت تولیدکنندگان، چگونه می‌توان ظرفیت‌های قانونی موجود را از سطح مقررات روی کاغذ به راهکارهای عملی در میدان تولید تبدیل کرد؟

در این گزارش نگاهی دارد به وضعیت کلی صنعت که در ادامه می‌خوانید.

وقتی قانون تبدیل به مانع می‌شود

این موضوع در شرایطی اهمیت بیشتری دارد که صنعت با مجموعه‌ای از چالش‌های همزمان مواجه است. تامین مالی، دسترسی به منابع بانکی، نوسانات اقتصادی، تامین مواد اولیه، محدودیت‌های ارزی، مشکلات صادرات، هزینه‌های انرژی و مسائل مربوط به بازار، هر کدام بخشی از زنجیره مشکلات تولید را تشکیل می‌دهند. اگر در کنار این مشکلات، مقررات متناقض یا فرآیندهای طولانی اداری نیز قرار گیرد، هزینه نهایی فعالیت برای بنگاه افزایش پیدا می‌کند.

گفت‌وگو زمانی نتیجه می‌دهد که به اقدام برسد
شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی می‌تواند یکی از مسیرهای مهم برای کاهش این فاصله باشد. حضور نهادهای متولی در چنین جلساتی زمانی معنا پیدا می‌کند که هدف از آن صرفا شنیدن مشکلات نباشد، بلکه موضوعات مطرح‌شده به تصمیم و اقدام مشخص منجر شود. بخش خصوصی نیز در این فرآیند مسئولیت دارد. طرح مشکلات باید از حالت کلی خارج شود و فعالان اقتصادی، موارد مورد اعتراض خود را به‌صورت دقیق و مستند مطرح کنند. مشخص شدن قانون یا مقرره مشکل‌زا، دستگاه مسئول و ظرفیت قانونی موجود، می‌تواند گفت‌وگو را از سطح بیان گلایه‌ها به سطح حل مسئله منتقل کند. این رویکرد همچنین مانع از آن می‌شود که برای هر مشکل، به دنبال ایجاد قانون یا مقرره جدید باشیم. در بسیاری از موارد ممکن است ظرفیت قانونی لازم برای حل مسئله از قبل وجود داشته باشد، اما این ظرفیت به‌درستی مورد استفاده قرار نگرفته باشد یا دستگاه مربوطه فرآیند لازم را تا رسیدن به نتیجه دنبال نکرده باشد.

قانون باید مسیر حل مشکل را باز کند

ظرفیت قانونی نباید نادیده گرفته شود
دبیر کارگروه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی اتاق ایران همچنین بر استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود تاکید کرد. گفت: در حوزه‌های مختلف از جمله بانک مرکزی، ممکن است ظرفیت‌های قانونی لازم برای حل برخی مشکلات وجود داشته باشد. بنابراین در چنین شرایطی، به جای ایجاد مسیرهای جدید، باید از همان ظرفیت موجود استفاده کرد. این نکته به‌ویژه برای بخش تولید اهمیت دارد. فعالان صنعتی معمولا با مشکلاتی مواجه هستند که نیازمند تصمیم‌گیری چند دستگاه مختلف است و اگر هر دستگاه موضوع را به دستگاه دیگری ارجاع دهد، فرآیند حل مسئله طولانی خواهد شد. استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود می‌تواند بخشی از این بروکراسی را کاهش دهد. اسکندری ادامه داد: صرف وجود ظرفیت قانونی کافی نیست و دستگاه‌های مربوطه باید موضوع را تا رسیدن به نتیجه پیگیری کنند. به بیان دیگر، مسئولیت دستگاه اجرایی با اعلام اینکه «ظرفیت قانونی وجود دارد» پایان پیدا نمی‌کند، بلکه باید مشخص شود این ظرفیت چگونه و در چه چارچوبی می‌تواند برای رفع مشکل فعال اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

از طرح مطالبه تا حل مسئله
اسکندری افزود: رویکرد گفته شده می‌تواند مسیر گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی را نیز از بیان صرف مشکلات به سمت



حل مسئله هدایت کند. بخش خصوصی مسائل خود را دقیق و مستند مطرح کند و دستگاه دولتی نیز در چارچوب وظایف قانونی، امکان رفع آن را بررسی و نتیجه را پیگیری کند. چنین فرآیندی می‌تواند از تکرار مشکلات در جلسات مختلف جلوگیری کند. اگر یک موضوع مشخص، دستگاه مسئول و ظرفیت قانونی مرتبط با آن تعیین شود، امکان سنجش نتیجه نیز وجود خواهد داشت و مشخص می‌شود که مشکل در کدام مرحله باقی مانده است. صنعت برای ادامه فعالیت و سرمایه‌گذاری به محیطی نیاز دارد که در آن فعال اقتصادی بداند در صورت بروز مشکل، مسیر مشخصی برای پیگیری و حل آن وجود دارد. بنابراین گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی زمانی اثرگذار خواهد بود که خروجی آن صرفا ثبت مطالبات نباشد، بلکه به تصمیم مشخص، تعیین مسئول و پیگیری تا حصول نتیجه منجر شود.

وی افزود: بر همین اساس، استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود را یکی از مسیرهای مهم برای حل مشکلات می‌داند؛ مسیری که هم مسئولیت بخش خصوصی برای طرح دقیق مسئله را جدی می‌گیرد و هم از دستگاه‌های متولی انتظار دارد در محدوده اختیارات قانونی خود، برای رفع موانع اقدام کنند.

سخن پایانی

برای فعالیتی او مانع ایجاد کرده است. دولت نیز باید پس از شناسایی مسئله، ظرفیت قانونی موجود را بررسی و در صورت امکان، مسیر رفع مانع را تا رسیدن به نتیجه دنبال کند. اهمیت این رویکرد در آن است که فضای کسب‌وکار بیش از هر چیز به شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و پاسخگویی نیاز دارد. اگر فعال اقتصادی بداند مشکل خود را از چه مسیری و با استناد به چه ظرفیتی می‌تواند پیگیری کند، بخشی از هزینه و زمان هدررفته در فرآیندهای اداری کاهش خواهد یافت.



شهناز صفایی
editor@smtnews.ir



حل موانع
تولید از مسیر
شناسایی
دقیق قوانین و
مقررات محقق
می‌شود



بخش خصوصی
و دولت باید
از ظرفیت‌های
قانونی برای
رفع چالش‌ها
استفاده کنند